

پیشخوان

مبارزان و عارفان دوران به روایت سید آزادگان

شمه‌ای از آنچه سید می‌دانست

■ **محمدرضا کائینی**



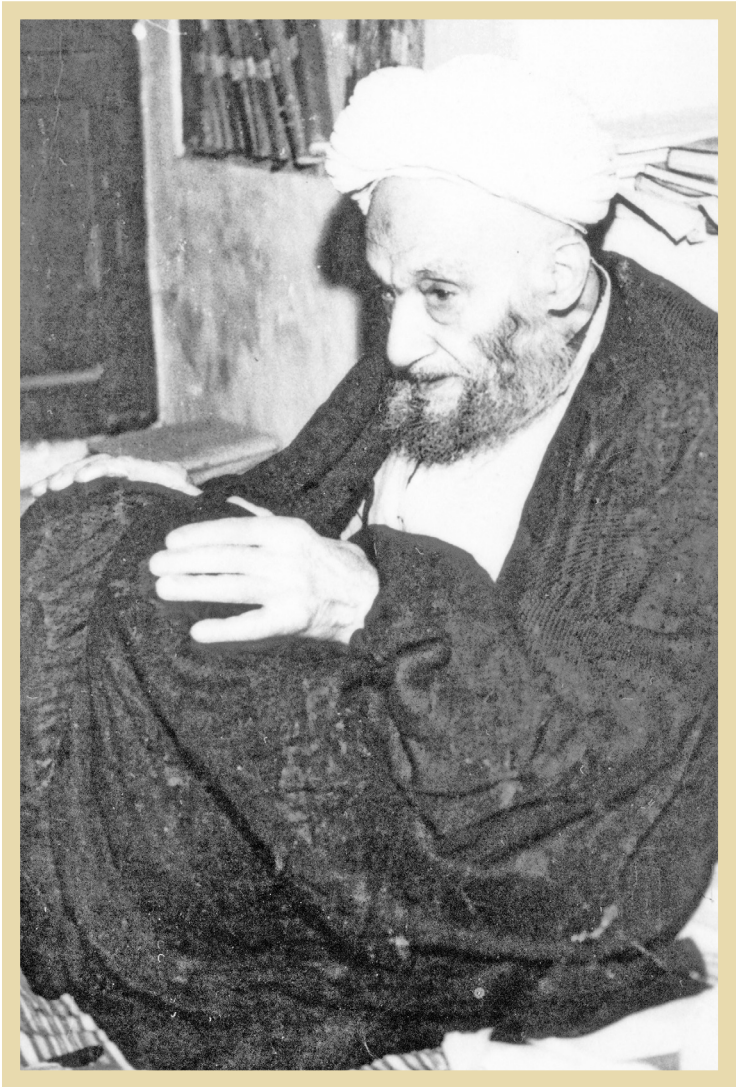
روحانی آزاده، زنده‌یاد حجت‌الاسلامالمسلمین سیدعلی اکبر ایوب‌زایی، از خاندانی ارجمند برخاسته و خود در صف نخست مجاهدان پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قرار داشت. او هرچند مجال نیافت تا خاطرات خویش را به تفصیل به قلم آورد یا بازگو کند، اما در دوران اسارت شمه‌ای از آن را برای تقویت روحیه آزادگان بازگفت و علاقه‌مندان، آن را به تقریر می‌نشتند. عبدالمجید رحمانیان در زمره آزادگانی است که خاطرات آن بزرگ را در باب برخی چهره‌های نمادین انقلاب ثبت کرده و در اثر «خستگی ناپذیر» آورده است. او در دیپاچه این اثر – که توسط انتشارات پیام آزادگان نشر یافته– چنین می‌نویسد: «سید، روح بلندی داشت و با آسمان در تماس بود. از این رو بلاهای زمینی اهل دنیا را کوچک می‌پنداشت. آنگاه که توان‌ها به صفر می‌رسید، او در اوج توانایی بود و هر گاه اندوه و غم بر جسم و جان اسرا غالب می‌شد، او منبع نشاط و شادابی بود. در اوج فشار تبلیغاتی حاکم بر اسارت‌گاه، سید با گفتار و رفتار خویش، یک‌تنه در برابر دشمنان می‌ایستاد و پرتو امید را بر دل‌های غمبار دوستان می‌افشاند. در گرمای ظهر تابستانی که بعضی‌ها سید را از میان اسراری تکریت جدا کردند و برای شکنجه و آزار به اتاق خود بردند، وقتی فرمانده کینه‌توز عراقی ضربات کابیل را بی‌دری بر بیکر نحیف او وارد می‌آورد، در سکوت وحشت‌انگیز اردوگاه، در گرمای ظهر آتشین و غمبار بیابان‌های استان صلاح‌الدین، تنها‌نوی حزین و حماسی او به گوش می‌رسید که می‌گفت یازهر!! یازهر!!… اسرای منظر، در حالی که آرام، قطرات اشک را پنهانی بر گونه‌های خویش سرازیر می‌کردند، او با لیچند آمیخته با سلام، قدم به آسایشگاه گذاشت. گام‌ها را با آرامش بر زمین نرساد و مصمم و جدی



▼ **زنده‌یاد سیدعلی اکبر ایوب‌زایی، در حال زیارت یکی از بقاع متبرکه**

بر جای خویش آرام گرفت. جانماز کوچکش را بر زمین گستراند و با خلوص و راستی، معراج روح را با اولین الله‌گیر نماز آغاز نمود… خودتان را جوی من بگذارید! می‌خواهید با سخنان خود کسی را معرفی کنید که ظاهری آرام و ساده دارد و باطنی در پیشتگش سرشار از ایمان به خداست و همه وجودش در محبت اهل بیت پیامبر خدا (ص) غرق گشته است: زاهدی است روگردان از دنیا، اما پر کار و تلاشگر عابدی است با سجده‌های طولانی در پیشگاه خدا، اما از آغاز جوانی در صحنه سیاست و مرتبط با مردم. روزداری است بی‌ریا، در حالی که ورزشکاری است توانا. در تنهایی هایش با خدا اشک از چشمش سرازیر است و در برخورد هایش با مردم، با لیچند از لب‌هایش قطع نمی‌شود. شب و روزش در خدمت به مردم می‌گذرد. و هیچ‌گاه خسته نمی‌شود. پناهگاه درمندان و انیس بی‌کسان است. مهدم مطرودان اجتماع است و گوشتگی گرفتارن. با بزرگان خضر و نثر دارد، اما به هم‌نشینی با ضعیفان بیشتر علاقه‌مند است. همه عمرش گنمام و پرتلاش در مبارزه به سر برده و زندان طاغوت و اسارت‌گاه‌های عراق را با تحمل شکنجه‌های توانفرسا بیش از ۱۰ سال سپری کرده است، اما از کسی توقعی ندارد. بسیار صبور و خوشرو و مهربان است، نه آنگونه که چشم طمع به چیزی داشته باشد. رازداری است امین و پارسایی است شجاع، نه آن‌طور که در پی نامی باشد…»

رحمانیان در ادامه این مقدمه، درباره محتوای کتاب و چند و چون تنظیم و تنویب آن چنین ادامه می‌دهد: «کتاب حاضر با عنوان «خستگی ناپذیر» در سه بخش طراحی شده است؛ در بخش اول، سید آزادگان به رابطه خود با شهید سیدعلی اندرزگو می‌پردازد و گوشه‌هایی از شجاعا‌ها، کرامات و حالات معنوی و حماسی او را بیابن می‌کند. در بخش دوم از شخصیت عارف مجاهد، شهید دکت مصطفی چمران او را بیابن می‌کند. در بخش سوم خاطره‌های خود را از عارفان و عالمان وارسته و کرامات آنها بیان می‌کند. امید است خداوند از ما بپذیرد و در یوم‌الحساب شفاعت آن آبرومند نزد خدا ما را نیز شامل شود.»



نظری اجمالی بر مبانی و جریان تاریخ‌نگاری جمهوری اسلامی و پاسخ به شبهات مربوط به آن

تاریخ‌نگاری ما، تاریخ‌نگاری آنها!

■ **انوشه میر میر عشی / مرزبان صادقی پری**

در سالیان اخیر و همزمان با وسعت و گستره یافتن جنگ‌نرم معاندان غرضمند یا نامعاندان ناآگاه علیه هویت دینی و انقلابی ایران اسلامی، تلاش شده که از بسیاری از علوم انسانی، پسوند «اسلامی» حذف شود! در زمره این علوم تاریخ‌است که اهمیت آن بر هویت‌سازی اجتماعی، بی‌نیاز از توضیح می‌نماید. مقال پی آمده درصداست تا اولاً تاریخ‌نگاری از منظر اسلام را معطوف به عمل نشان دهد و ثانیاً پیشینه تاریخ‌نگاری در حوزه‌های علمیه را بازنمایاند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

یکی از مباحث مهم معرفتی رهبران فکری انقلاب اسلامی و نیز نظام جمهوری اسلامی، مسئله «تاریخ و جایگاه آن در قرآن» بوده‌است. مقوله‌ای که بزرگانی فراوان از امام خمینی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری گرفته تا آیت‌الله محمدتقی مصباح زدی و آیت‌الله محمدمهدی میرباقری، درباره آن سخنان بسیار گفته و از آن به عنوان روشن‌کننده راه و وسیله شناخت حق از باطل یاد کرده‌اند. اما در مقابل، پاره‌ای نویسندگان و پژوهشگران معاصر نیز در سال‌های اخیر با شبهه‌افکنی سعی کرده‌اند «جایگاه تاریخ از منظر قرآن کریم» را زیر سؤال برده و با تفسیر به رای، به نظرات بزرگان اندیشه انقلاب و نظام، خدشه وارد کنند! در این نوشتار تلاش شده است با اشاره به جایگاه تاریخ در قرآن کریم، به پاره‌ای از نکات مطرح شده در این زمینه در سالیان اخیر، نظری بیفکنیم و در حد مجال، آنها را ارزیابی و عیارسنجی کنیم.

این نکته یا به قول برخی شبهه، گاه توسط برخی افراد مطرح شده است که قرآن کتاب تاریخ و بیان کننده زندگانی پیامبران و تمدن‌هاست یا حتی برخی از مفرضان، آن را کتاب شرح اساطیر گذشته خوانده‌اند! اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ واگر نیست چرا جریان زندگانی انبیای الهی و امت‌های پیشین، در قرآن بیان شده است؟

ابتدا باید توجه داشت در قرآن کریم، کلمه «قصه» و جمع آن «قصص»، به کار برده نشده، بلکه صورت

از آنجا که یکی از منابع مهم معرفتی، برای آگاهی مردم نسبت به شناخت جریان حق و باطل، مطالعه و تحلیل تاریخ است، علما و روحانیون انقلابی، با ایجاد نهضتی علیه تاریخ‌نگاری، استعماری و باهدف احیای تاریخ‌نگاری اسلامی، حرکتی روشنگر را آغاز کردند. در رأس این جریان، علما یی چون آیت‌الله مرتضی حجت‌الاسلام مصطفی‌زمانی قرار داشتند

عاریخ

کفت‌وگویی ۸۸۴۹۸۴۲۷

گردیدنش، آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم، تا از آن عبرت‌گیری و به آن عمل کنی^(۱).

■ **نگاه فقها و علما به تاریخ**

نکته دیگری که توسط برخی از به اصطلاح محققان مطرح شده، این است که علما و فقهای شیعه در قرون گذشته، توجهی به تاریخ نداشته‌اند و گرایش به تاریخ و تاریخ‌نویسی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف بهره‌بردای سیاسی، در حوزه‌های علمیه رواج یافته است!... اما آیا واقعاً اینگونه است؟ از قضا بررسی کارنامه نوشتاری علما و فقهای شیعه، چیزی خلاف این ادعا را به ما نشان می‌دهد. بسنجاری از مورخان مسلمان و به ویژه مورخان شیعه، از قرون اولیه تا به امروز، تلاش زیادی برای ترویج حق و حقیقت و نشان دادن عبرت‌هایی که می‌توان از وقایع صدر اسلام آموخت، به همه آیندگان داشته‌اند. به طور مثال مورخی چون «هشام بن محمد کلبی» از شاگردان امام جعفر صادق(ع) و مورخ قرن دوم هجری در کتاب «الاصنام»، به شیوه مولایش امام صادق، با روشی غیر مستقیم و به پنهان تاریخ‌نگاری اعراب دوران جاهلیت و بت پرستی آنان، حقایق بسیاری را درباره سیره پیامبر(ص) و زندگانی ایشان در مقابل تحریف‌ها و حرمت‌شکنی از شخصیت پیامبر در دوران بنی‌امیه، اشاره می‌کند^(۲). یا عالم بزرگی چون ابوعلی مسکویه، احمد بن محمد بن یعقوب اقرن ۵۰۴ هجری قمری و از علمای مرتبط با دستگه آل بویه در تاریخی حوادث حکومتگران، به دنبال درک علت پیروزی‌ها و شکست‌های آنها بوده است. او با بیان چرایی این سقوط و صعودها، به دنبال یافتن راهی جهت اصلاح شیوه زمامداری دوران خویش بوده است.^(۳) یا عالم بزرگ شیعه در قرن ششم، یعنی «محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی» مؤلف نامور کتاب «مثالب النواصب آل الصواب القواصب فی مظالم النواصب» را نوشته است که گونه‌ای از نگارش تاریخی - جدلی است و بر نقاط ضعف، کاستی‌ها و عیوب اشخاص و عملکر دشان، در یک حادثه تاریخی تأکید دارد.

البته در قرون بعد هم بوده‌اند علما و فقهایی که به تاریخ و عبرت‌گیری از آن توجه داشته‌اند. مثلاً فقیه بزرگ شیعه در زمان صفویه، یعنی به‌الدین محمد عاملی معروف به «شیخ بهائی»، در کتاب «کشکول» وقایع عبرت آموز تاریخ را در این زمان صدر اسلام و هم از زمانه خود، برای عبرت‌گیری مردم نوشته است. مانند گفت‌وگوی تاریخی معاویه بن ابوسفیان با جاریه بن قدامه ایاس بن معاویه (عالم دینی خلیفه بصره) یا شرح بلایای طبیعی در شهر بصره در سال‌های ۲۸۵ قمری و ۴۰ قمری و از این قبیل.^(۴) در دوران معاصر هم علمای بزرگی چون آیت‌الله علامه «عبدالحق قاری» (ع) بارها و در موقعیت‌های زیادی تاریخ‌نگاری اسلامی را مشخص می‌کند^(۵).

نکته‌ای که در سالیان اخیر، توسط برخی از به اصطلاح محققان طرح شده، این است که علما و فقهای شیعه در قرون گذشته، توجهی به تاریخ نداشته‌اند و گرایش به تاریخ و تاریخ‌نویسی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف بهره‌بردای سیاسی، در حوزه‌های علمیه رواج یافته است!... اما آیا واقعاً اینگونه است؟ از قضا بررسی کارنامه نوشتاری علما و فقهای شیعه در حوزه تاریخ، چیزی خلاف این ادعا را به ما نشان می‌دهد



سقوط و نهضت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گرفته تا نهضت‌های مذهبی، ادبی و علمی در واقع این تغییرات و تبدیل شدن‌ها و بررسی دلایل وقوع و چگونگی کیفیت آنها همان سیورورتی است که جهت تاریخ‌نگاری اسلامی را مشخص می‌کند^(۶).

■ **عبرت‌پذیری عملی، یا عبرت‌پذیری اخلاقی؟**

برخی پژوهشگران درباره نحوه عبرت‌گیری از تاریخ، این مسئله را مطرح کرده‌اند که منظور قرآن از «عبرت‌گاری» (ع) صرفاً اخلاقی است و دستوری برای اقدام عملی، در زندگی اجتماعی و سیاسی در این زمینه در قرآن وجود ندارد.

برای پاسخ به این شبهه، ابتدا لازم است واژه «عبرت» تعریف شود. علامه ابن‌اصفهانی در «المفردات القرآن الکریم»، عبرت را از ریشه «عبرَ» و به معنای حالتی که در آن معرفت طاهری و محسوس، سبب درک معرفت باطنی و غیر محسوس می‌گردد و انسان را قاری «به ضیق بما سلف من الحق» و معتبر می‌منا کرده است.^(۷) اما آیا این معرفت باطنی حاصل از عبرت‌گیری، فقط امری ذهنی و اخلاقی است یا باید به مرحله عمل هم در برآید؟ این سؤال را امیرالمؤمنین علی(ع) بارها و در موقعیت‌های زیادی پاسخ داده‌اند. به طور مثال ایشان در نامه به حارث همدانی، «حوادث تاریخی را مشابه هم معرفی می‌کند» و عبرت‌گیری از گذشتگان را راهی برای خطایکردن: «و ضیق بما سلف من الحق» و معتبر می‌مندی^(۸) و از آنجا که در آن تنها تاریخ اقوام و گروه‌ها نقل می‌شود و به نقل تاریخ زندگی افراد نمی‌پردازد. اما در تاریخ علمی، هدف بیان تاریخ جوامع و ایضاً ریشه‌یابی علل صعود یا سقوط آنهاست. بخش سوم اما تعریفی از تاریخ است که نه مربوط به نقل گذشته افراد و جوامع و نه مربوط به بیان قوانین صعود و سقوط جوامع است، بلکه به معنای شدن و سیورورت و حرکت جوامع است که از آن به «فلسفه تاریخ» تعبیر می‌کنیم. به عبارت دیگر، ایسن سیورورت و حرکت جوامع است که شهید مطهری توجه به آن را در تاریخ پها و تحذوً علیها» (نامه ۳۱) سرز عزیزم من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست

■ **قیام حوزه علمیه و علما علیه تاریخ‌نگاری استعماری**

با شروع نهضت اسلامی مردم علیه رژیم پهلوی به رهبری خمینی کبیر(ره)، علما و روحانیون که فرصت را برای روشنگری و فعالیت فرهنگی علیه تفکر استعماری حاکم بر رژیم پهلوی و جامعه

۹ جوان ۶۲۵۴

مساعد می‌دیدند، وارد میدان شدند. از آنجا که یکی از منابع مهم معرفتی، برای آگاهی مردم نسبت به شناخت جریان حق و باطل، مطالعه و تحلیل تاریخ است، علما و روحانیون انقلابی، با ایجاد نهضتی علیه تاریخ‌نگاری استعماری و با هدف احیای تاریخ‌نگاری به روش اسلامی، حرکتی روشنگر را آغاز کردند. در رأس این جریان، علمایی چون شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی و حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی زمانی قرار داشتند. البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این جریان با قدرت و عمق بیشتری، برای تاریخ‌نگاری یا مینسا قرار دادن «فلسفه تاریخ از منظر قرآن و مکتب اهل بیت» به فعالیت ادامه داد.

■ **۱۲ اصل اساسی «فلسفه تاریخ از منظر قرآن و مکتب اهل بیت»**

آنچه که امروز از آن به «فلسفه تاریخ از منظر قرآن و مکتب اهل بیت» تعبیر می‌شود، بر دو اصل اساسی بنا شده است:

اصل اول اینکه در فلسفه تاریخ شیعه، مسئله مبنایی «خلقت» حضرت ربّ است. یعنی پروردگار که خالق همه جهان و همه موجودات است، بر اساس قانون «امتناع جبر و تقویض»، تکلیفی را بر گردن انسان - هم به شکل فردی و هم به شکل اجتماعی- قرار داده که در مسیر حق حرکت کرده و از ظلمات و باطل، به سوی نور و حق برود. در این مسیر انسان دارای اختیار - توانایی برگزیدن خیر در مقابل شر- است و اگر به تکلیف خود عمل کند، ستگار شده و به هدف غایی خلقت نائل می‌شود. اما اگر عمل نکند و راه ظلمت و باطل را در پیش گیرد، خداوند فرصت را از فرد یا یک امت -اجتماع- می‌گیرد و به جای آن امتی دیگر را جانشین می‌کند، تا آنها در فرصت به دست آمده، در مسیر حق به کمال ورتائی شدن برسند. به این سنت حضرت حق در فلسفه تاریخ شیعه، قانون «استخلاف» می‌گویند.^(۱)

اصل دوم اما در فلسفه تاریخ شیعه، بر مبنای قرآن کریم، مسئله مینسا قرار گرفتن تاریخ از زمان هیوط حضرت آدم(ع) است. بعد از آن دوره‌بندی کردن زندگی امت‌ها، بر اساس ظهور انبیای الهی و کتش مردم نسبت به دعوت آنها تعریف شده است. مسیری که در آن «وحدت تاریخی» از حرکت و سیورورت از باطل و ظلمات، به سوی حق و نور تعریف می‌شود و سرانجام در پایان این حرکت، تقدیر در نظر گرفته شده پروردگار، یعنی گردن نهادن بشریت بر ولایت‌الله ولایت رسول(ص) و ولایت جانشینان وی، محقق می‌شود. یعنی در فلسفه تاریخ شیعه، در پایان تاریخ، ولایت حق کاملاً تلجی پیدا می‌کند و دنیا شنائی، محبت، نور و عدالت می‌شود.^(۲)

■ **کلام پایانی**

در جریان احیای تاریخ‌نگاری اسلامی و مکتب تشیع در زمانه ما، گونه جدید و قابل اعتنایی از تاریخ‌نگاری در ایران رواج یافته که می‌تواند الگویی برای تاریخ‌نگاری در تمام جهان اسلام باشد. گونه‌ای که در آن اصل بر عبرت‌گیری از تاریخ، ولایت حق کاملاً تلجی پیدا می‌کند و دنیا شنائی، محبت، نور و عدالت می‌شود.^(۳)

■ **تحریرف تاریخ، به جای عبرت‌گیری از تاریخ!**

تا اواسط دوره قاجار، تمام کتب تاریخی‌ای که به زبان فارسی - و توسط مورخان ایرانی نوشته شده است، مبدأ تاریخ را از هیوط حضرت آدم(ع) روی زمین آغاز کرده و پس از بیان تاریخ انبیا الهی(ص) - به شکل مختصر یا مبسوط- به ورود اسلام به ایران پرداخته و سپس تاریخ مقطع مورد نظر خودشان را روایت می‌کرده‌اند. اما با ورود استعمارگران انگلیسی، این شکل از روایتگری تاریخ‌نگاری حذف و به جای آن تاریخ‌باستان‌جایگزین شد!

در رأس این جریان تاریخ‌نگاری، «بسر جان مالکوم» سفیر انگلستان در ایران در زمان فتحعلی شاه قاجار قرار داد! او که مانند بسیاری از ماموران وزارت امور خارجه انگلستان «شرق‌شناس!»، نویسنده بود، اقدام به نوشتن دو جلد کتاب «تاریخ ایران» کرد و با افسانه بافی و موهومات، تاریخ انبیا و ارتباط ایرانیان سا پیامبران خدا را حذف و به جایش تاریخ‌باستان را جایگزین کرد و مبدأ شروع تاریخ رسمی ایران را از مرحله ورود آریایی‌ها به ایران معرفی کرد^(۴) و اینچنین شیوه تاریخ‌نگاری او، بعد از هفتاد و پنج قرن به فرهنگ، شماره ۲۸۴، ۱۳۷۹ ش.

۷- شیخ بهائی، «کشکول»، ترجمه بهمن زراتی، انتشارات زرین، چاپ دهم ۱۳۲۲ ش، صفحات ۲۷۲ و ۲۷۱، ۴۹، ۲۷۱ و ۲۷۲

۸- طر‌فداری، محمدعلی، مقاله «نقش جریان‌های شرق شناسی و ایران شناسی در پیدایش تاریخ‌نگاری‌های ملی در ایران»، -از قاجار به تا پهلوی اول-، فصلنامه شیخ‌الاسلام، سنال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶ ش، ص ۱۴۲ تا ۱۸۷ و همچنین رهندا، احمد، مقاله «تأثیر شرق شناسی بر تاریخ‌نگاری معاصر ایران»، فصلنامه آموز، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۰ ش، ص ۱۷۱ تا ۲۲۸

۹- شکور، ابوالفضل، «درآمدی بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مسلمانان»، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ۱۳۸۰ ش، ص ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۱۵۳

۱۰- میرباقری، محمدمهدی، سخنرانی با موضوع «فلسفه تاریخ شیعه» در حوزه هنری تهران، ۹ رنخ شهریور ۱۳۹۲ ش

زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی، تاریخ‌نگار معاصر

